دانستنیهای علمی
درباره
ریش و ریش تراشی

میرزا مهدی آقابابایی


بسم الله الرحمن الرحیم

دانستنیهای علمی درباره‌ی ریش و ریش تراشی

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دانستنیهای علمی دربارهی ریش و ریش تراشی

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان،۱۳۹۱
عنوان و نام پدیدآور:دانستنیهای علمی دربارهی ریش و ریش تراشی/ مهدی آقابابایی.
مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه
موضوع: امام حسین (ع) - عزاداری

ثواب و هدیه به محضر:

ثواب این جزوه را هدیه می‌کنم به محضر حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان حضرت حجت بن الحسن المهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و به مادر شهیدشان، ام الائمه، مادر سادات، دخت نبی اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم، شفیعه‌ی روز محشر، ملکه‌ی اسلام، صدیقه‌ی شهیده حضرت فاطمه زهرا عَلَیْهاالسَّلَام.

مقدمه

خداوند تبارك و تعالی را شاکرم که با عنایات خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به این بندهی حقیر توفیق دادند که بتوانم جزوهای در باب ریش تراشی و ریش گذاشتن بنویسم که تمام مباحث آن، از قرآن، روایات، روان شناسی، پزشکی و فتاوی مراجع تقلید این مبحث را به طور کامل نوشتم که اتمام حجتی باشد برای کسانی که می‌گویند ما روایت و آیهای از قرآن دربارهی ریش تراشی و گذاشتن آن نداریم و کسانی که می‌گویند هر کس ریش بگذارد امل و عقب افتاده است قلب و دل انسان باید پاك باشد و اینها و کسانی که شبهه وارد می‌کنند غافل از مضرات ریش تراشی هستند و منافع و فوائد ریش گذاشتن، زیرا که گذاشتن ریش از سنت اهل بیت و بزرگان است و تراشیدن آن کار مخالفان اسلام مانند یهود، بابیت و مجوسیها هستند. ما در این جزوه به یاری مولایمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آیات و روایات را آوردهایم تا کسانی که اطلاع ندارند اطلاع پیدا کنند و به گوش دیگران هم برسانند و اما ابتدا دربارهی تاریخچهی ریش و ریش تراشی به میدان آمدهام و بعد سخنان بزرگان و دانشمندان و پزشکان در این زمینه و بعد سراغ آیات و روایات رفتهام و بعد میان اینها فصلی انتخاب کردهام و نام نهادهام به نام شارب (سبیل) و فصل دیگری به نام جویدن مو که چه امراضی به بار می‌آورد و در فصل آخر کتاب فتاوی علمای بزرگ و مراجع تقلید. اگر کسی بگوید ما کاری با مراجع و علماء نداریم و نعوذ بالله بگوید:

حرفهای آنان قدیمیست ما در جواب می‌گوییم که: امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودهاند:

«در حوادثی که اتفاق میافتد به کسانی مراجعه کنید که احادیث ما اهل بیت را روایت می‌کنند، آنها حجت من بر شما بوده و من حجت خدا بر آنها هستم.» (۱) و منظور امام زمان مراجع و علماء هستند.

اینان مرزبانان و پرچمداران دین و شریعت هستند.

انشاء الله خداوند منان این ناچیز و کمترین را از این بندهی حقیر قبول بفرماید.

چکیده

در این کتاب سعی بر این شده است که اثبات نماید حرام بودن ریش تراشی را و گذاشتن ریش را و فواید و محاسن ریش گذاشتن را از منابع چهار گانه یا ادله‌ی اربعه: کتاب، سنت، عقل و اجماع و در این کتاب از سخنان دانشمندان بزرگ پیرامون این موضوع هم بحث به میان آمده است.

حوزه علمیه اصفهان – میرزا مهدی آقابابایی

فصل اول تاریخچهی ریش گذاشتن

اشاره

وقتی تاریخ ریش گذاشتن بررسی می‌شود، یک نوع افراط و تفریط در آن بوده به طوری که عده ا ی ریش خود را آنقدر بلند می‌کردند که به زمین کشیده می‌شده و افرادی را اسیر جمع آوری آن از زیر دست و پا می‌کردند.

در مقابل برخی ریش خود را از ته می‌زدند، اسلام که روشش بر اساس استدلال و منطق است، این دو طریق را مطرود اعلام کرد و راه اعتدال و میانه روی را بر اساس آیه ۱۴۳ سوره بقره که می‌فرماید:

«و کذلک جعلناکم امه وسطا» و روایات متعدد برگزید و اکنون به نمونه‌هایی از آن در تاریخ توجه فرمائید.

الف: ریش در شریعت حضرت موسی عَلَیْهِ السَّلَام

عبرانیان از زمان‌های بسیار قدیم ریش می‌گذاشتند و بر طبق شریعت حضرت موسی عَلَیْهِ السَّلَام مجاز به تراشیدن ریش نبودند و کندن ریش نزد آنان علامت تحقیر و بی‌احترامی بود.

حضرت موسی عَلَیْهِ السَّلَام با مردانی از بنی‌اسرائیل به کوه طور رفت و دستور فرمود که: بعد از دعای من آمین بگویید. از جمله دعاهای حضرت نفرین بر کسانی بود که ریش خود را میتراشیدند. (۲)

ب: سلاطین و علماء

سلاطینی از بابل، آشور، ایران و یونان قدیم ریش خود را فر می‌دادند و در مجسمه‌های داریوش بزرگ و حکمایی مانند افلاطون، ارسطو و سقراط این موضوع مشهود است.

برخی فراعنه مصر سنگ‌های قیمتی و مروارید به ریش خود می‌آویختند و آن سنگ‌ها را مانند خنجر، نوک تیز می‌کردند و گاهی با آن سنگ‌ها ریش‌ها را اصلاح می‌کردند.

معروف است که ریش «سلطان سنجر» آنقدر طول و عرض داشت که زمان شکار و تیراندازی غلامان می‌دویدند و ریش شاه را که به زمین می‌رسید با پارچه ای بسته و به پشتش گره می‌زدند.

ریش «فتحعلی قاجار و درباریانش» آنقدر بزرگ بود که در زمان تیراندازی آن را می‌بستند.

زمانی ریش‌ها را به شکل خاصی مانند توپی، دم کبوتری، مربع و مستطیل حالت و شکل می‌دادند.

«عباد» برادر «عبیدالله بن زیاد» ریش طویلی داشته و «ضیاء الدین قزوینی» استاد «سعدالدین تفتازانی» ریشش آنقدر طولانی بود که به کفش‌هایش می‌رسید و در خواب آن را کیسه می‌کرد و چون بر مرکب سوار می‌شد، باد آن را متفرق می‌نمود و مردم را متوجه خود می‌ساخت.

مردم یونان و روم قدیم همه ریش داشتند، اما کم کم در ایام شادی ریش تراشی معمول گردید. اما در نزد ایرانیان ریش مرسوم

بوده است.

ج: کسانی که دستور تراشیدن ریش دادهاند

اولین کسی که فرمان ریش تراشی دسته جمعی صادر کرد «اسکندر مقدونی» بود و دومین نفر که این دستور را داد «فیلیپ هفتم» در اسپانیا و سومین نفر» پطر کبیر» در روسیه بود و او چنان سخت گرفت که کسانی را که دارای ریش بودند جریمه می کرد و چهارمین نفر «شاه عباس صفوی» در ایران بود.

د؛ احترام ریش نزد درویشان

قلندران و درویشان در عراق موی سر و ابرو را میتراشیدند و در ایران تاری از موی ریش و سبیل را به عنوان ارادت و دوستی و مردی و یا برای شرط نذر برای یکدیگر ارسال می کردند و یا گرو می گذاشتند.
در یک دوره طولانی اگر ریش کسی را می کندند آنقدر توهین آمیز بود که مرگ را بر آن ترجیح میداد و ریش داشتن را مورد احترام قرار میدادند (ولی عصر خودمان را ببینید که هر کس ریش بگذارد به او لقب امّل و عقب افتادگی میدهند) و چه بسا بعضی دولتها ریش انسانهای مجرم را میتراشیدند و تبعیدش می کردند و یا پیاده و سواره در شهر در معرض تماشای عموم قرار میدادند. (۳)

و: داشتن ریش سیره انبیاء و دانشمندان اروپایی

سیره انبیاء و ائمه اطهار و ادیان الهی و علماء گذاشتن ریش بود و از تراشیدن آن نفرت داشتند و در بین دانشمندان جهان از جمله اروپا و سلاطین بسیاری از آنها به پیامبران در ریش گذاشتن اقتدا می کردند از جمله دانشمندان اروپایی که ریش داشتهاند و عکسهایشان در کتابها و موزهها موجود است عبارتند از:

۱ - پاستور فرانسوی، ماریونی (مخترع ماشین چاپ)

۲ - کوری پیر (فیز یک و شیمیدان فرانسوی کاشف رادیوم)

۳ - تارینه

(بزرگترین استاد معالجه امراض)

۴ - یوکا من شامپیو نبر (نخستین کسی که عمل فتق را انجام داد)

۵ - دکتر پرفسور امیل (مکتشف سرم معالجه دیفتری)

۶ - لیستر (جراح انگلیسی)

۷ - ژیرار (مخترع ماشینهای بافت کتان)

۸ - گرام (زنوپ) (الکتریسین بلژیکی و مخترع دینامهای صنعتی برق). (۴)

فصل دوم؛ ریش تراشی از نظر دانشمندان و پزشکان

۱ – سخنان دکتر «ویکتور ژورژ»:

بعضی از مردم ریش داشتن را نمیپسندند و غافل هستند که ریش داشتن بهتر و دارای منافعیست.

به درستی که طبیب حاذق و مشهور ((ویکتور ژورژ)) عقیده‌اش اینست که داشتن ریش فوائد بسیار بزرگی دارد و محقق است که ریش داشتن دهان را محافظت می‌نماید از امراضی که متوجه بدن و اطراف آن است و هم منع می‌نماید رطوبتهای زائده‌ای را که متوجه به جوانب دهان می‌شود و نگاهداری می‌کند و از استخوانهای دندانها و غده‌هایی که چشمه لعابهای دهان است.

(یعنی محافظت می‌کند از لثه‌ها و یا غده‌هایی که در لثه‌ها است). (۵) در کتاب تراش ریش از نظر بهداشت ص ۲۰ آمده است که ایشان درباره‌ی فائده‌ی ریش می‌گوید:

ریش موجب حفظ دندانها و غدد بزاقی خواهد شد.

(۶)

۲ – سخنان دکتر (یعقوب صروف) و (فارس نمر):

به تحقیق از برای موهای ریش و سبیل فایده‌هایی بزرگ است:

اولا: در منع از رسیدن ریزه‌های غبار به حلق از راه بینی و دهان.

ثانیاً:

در منع از رسیدن هوای سرد به اطراف گلو و حلق و روایت شده که نا خدایان و کشتیبانان فرنگ که به سوی قطب شمال سفر نموده‌اند برای جستجوی از سیّاح مشهود (فرنگلین) پس در آن یخچالها و هواهای سوز و زمینهای سرد سیر قطب خیلی سرمای سوزناک بر آنها شدید شد.

ولی هیچ یک مبتلا به مرضی نشدند بدین جهت که موهای سر و ریش می‌پوشانید سر و روی آنها را و دور می‌کرد سوز سردی را از حلق و گلویشان. سپس چون برگشتند به سرزمین انگلستان که نسبتًا به جایهای قطب گرمسیر و قشلاق می‌باشد پس تمامی آنها ریشهای انبوه خود را تراشیدند. فوری یک هفته نگذشته تمامی آنها مریض و بیمار شدند به سبب چائیدن استخوانهای گلو و اعضای حلق و دهان. (۷)

۳ – در مجله «المقتبس» دمشق آمده است که:

در مجله‌ی المقتبس مطبوعه‌ی شهر دمشق اثبات نموده که تیغهای ریش تراشان ناقل امراض و باعث سرایت در دهاست به چهره و صورت مردان تندرست که عادت به تراشیدن ریش نموده‌اند.

(۸)

(منظور تراشیدن صورت با تیغ است نه دیگر اعضای بدن.)

۴ – ریش تراشی جماعتی در انگلستان:

جماعتی در انگلستان بر علیه و ضد عادت ریش تراشی انجمن نموده‌اند و سخت از کار کردن تیغی بر رخسار ریش تراشان جلوگیری می‌نمایند و از جمله تعلیمهای اسلامی این جماعت سعی و تلاش در اینست که مردمان را وادار کنند به رها ساختن ریش و ترک تراشیدن آن؛ به این جهت که تیغهای دلاکان مایه سرایت و تعدی امراض مسریه است به لب و دهان و چهره و گلوی ریش تراشان و به درستی که این انجمن ورقه‌ای را چاپ نموده و بر بزرگان انگلیس و لوردهای ایشان قسمت و پخش نموده و ایشان را به مساعدت خود خوانده که رها بسازند ریشهای خود را تا این که عموم ملت از آنها تقلید و پیروی بنمایند. در این ورقه منشور دو صورت چاپ نموده بودند که یکی تمثال مردی که ریش خود را تراشیده و در او جمیع زشتیها و بدیها را نمایش داده و دیگری

تمثال مردی که ریش خود را رها ساخته و در او جمیع زیباییها و خوبیها را جلوه و نمایش داده‌اند (۹)

۵ – به ریشهای تمامی کارکنان راه‌های آهن تیغ کشیدند

در زمانی ریشهای تمامی کارکنان راه‌های آهن را در موسم زمستان تراشیدند، پس قسم بیشتر آنان مبتلا به درد دندان و اماس و اورام سختی شدند، در غده‌هایی که چشمه‌های لعاب گلو و دهان است و نیز گفته که: طبیب دیگری معالجه کرد کسانی که مبتلای برشح یعنی درد زکام شده بودند، همین که ایشان را امر فرمود به رها کردن ریشهای خود، آنها هم به امر او گوش نموده ریش گذاشتند (به صحت کامیاب شدند). (۱۰)

۶ – شیوع ریش تراشی در کشورهای غربی:

در سال ۱۹۱۱ میلادی به علت شیوع ریش تراشی در کشورهای غربی و کشف مضرّات آن عده‌ای از اطباء و دانشمندان اروپا برای مبارزه با ریش تراشی در انگلستان تشکیل جلسه داده و برای حفظ بهداشت عمومی از ا ین عمل نشریاتی منتشر نمودند و بدین وسیله مردم را متوجه ضررهای تیغ‌های صورت تراشی نموده، ضمنا برای نتیجه گرفتن به دولت نیز پیشنهاد دادند که جهت حفظ بهداشت عمومی جدا از این کار جلوگیری نماید. (۱۱)

۷ – بعضی از پزشکان فرانسوی می‌گویند:

تیغ‌ها (و ماشینهای) ریش تراشان ناقل امراض و باعث سرایت در دهاست و ریش تراشی، چهره و صورت مردان سالم را از بین می‌برد. (۱۲)

۸ – «هانسدریش» آلمانی می‌گوید:

ریش برای مرد زینت است (۱۳)

۹ – «دکتر خوش منش»:

پوست بدن و موها بهترین مانع برای ورود میکروبها می‌باشند و موی صورت کاملًا از ورود میکروب ممانعت می کند.
خراش پوست به وسیله تراشیدن موجب پیدا شدن راهی برای وارد شدن میکروب هاست.
موی صورت حافظ زیبایی و سلامتی آن است زیرا در اثر زیاد تراشیدن، سلولهای صورت فرسوده شده و به دنبال آن علائم پیری و چروک به زودی در صورت ظاهر می گردد. (کسانی که ریش دارند، از صورت سفید و لطیفتری بر خوردارند). به علاوه کسانی که ریش خود را می‌تراشند به خاطر زبری و خشن بودن صورتشان کودک انسان مانع بوسیدن آنها می‌شوند. (۱۴)

۱۰ – «دکتر صائبی»:

در رشته «فیزیولوژی» (۱۵) ثابت شده بیضه مرد علاوه بر موادی که با اسم ترشح منوی به خارج می‌ریزد، دارای ترشح درونی است که داخل خون شده، علائم بلوغ و نشانه مردی که یکی از آن روییدن موی صورت است به وسیله همین ترشح درونی است.
چنانچه برخی که فاقد بیضه هستند از داشتن موی صورت و چهره زیبا بی‌بهره‌اند.

بنا بر این موی صورت یکی از نشانه‌های مردیست و مردان و نوابغ عالم سعی داشته‌اند علاوه بر صدها خصلت انسانی، این نشانه را در خود حفظ کنند.
(۱۶)

۱۱ – جریان کارخانه‌ی تیغ سازی:

((پل کن ریش Poul Kenrish)) شخصیست که دارای کارخانه‌ی تیغ سازی بوده و روزی پانصد هزار تیغ تولید می‌کرده و سالها ریش میلیونها انسان را با این وسیله تراشیده است و لیکن بزرگی و زیبایی خود را در ریش گذاشتن دانسته و در تمام مدت عمرش از تراشیدن موی صورت خویش خود داری کرده است.
(۱۷)

نتیجه گیری از این فصل:

هر گاه کسی از روی انصاف و عدل در کتابها و در مطبوعات تازه و کهنه آسیا و اروپا نظر و اندیشه نماید، مقالات بی‌اندازه خواهد یافت در زشتیهای عادت ریش تراشی و خوبی‌های گذاشتن آن. چنانچه پاره و اندکی از آن را به عرض شما رساندیم.
به این نتیجه می‌رسیم که ریش تراشی مایه سرایت ناخوشیهای سخت و مظهر زشتیهای خلقت و سبب سرما خوردن و چائیدن استخوانهای چهره و گلو و مرضهای اعضای حلق و فکین می‌شود و هم باعث امراض زکامِی و رشحی و لقوه در دندان و اورام غدد لعابیه و غیر آن می‌گردد.
و به این نکته پی می‌بریم که گذاشتن ریش مایه‌ی محافظت دهان و قوت تکلم و فصاحت گفتار و مانع رطوبات زائده حلق و حافظ وظائف غده‌های لعابی می‌باشد و همچنین سبب قوت و محافظت استخوانهای چهره و اعضای گلو ودهان و گرم نگه داشتن آنهاست و نیز مانع از رسیدن غبار نرم و هواهای سرد و نا ساز به سوراخهای بینی و دهان می‌شود.

فصل سوم، ریش تراشی از نظر روان شناسی

اشاره

روان شناسان ثابت کرده‌اند که: انسان دارای قوه مغناطیسیست که اثر آن مخصوصاً در چشمها مشهود است و به سبب نگاه کردن زنان به مردان و بالعکس این قوه تقویت شده و غریزه جنسی را در دو طرف (مرد و زن) تحریك می‌کند.
سیفلیس و سوزاك و دردهای دیگر که در اثر شیوع فحشاء در برخی جوامع می‌بینیم در اثر این قوه جاذبه می‌باشد.
بدیهیست که تراشیدن ریش از ته و صورت را براق کردن، سبب تقویت قوه جاذبه شده و تحریك و کشش‌های مغناطیسی را بین زنان و مردان افزایش می‌دهد.
طبق نظریه علم فیزیولوژی و پسیکولوژی (۱۸) نیروی شهوت از سن پانزده سالگی به بعد رو به افزایش است و تا بیست و پنج سالگی ادامه دارد، هر چه انسان از سن پانزده سالگی بالا ـ می‌رود سیمای او بر افروخته و روشن‌تر می‌گردد و در چشم مرد و زن شیفتگی مخصوصی پیدا می‌شود. از همین سالهاست که موی صورت روییده خواهد شد و این روییدن موی صورت و نتراشیدن آن مانع برخی مفاسد اخلاقی میان زنان و مردان شده و تا حدودی از پیش آمدن مسائل سوء شهوانی جلوگیری می‌نماید. بر عکس مرد با تراشیدن ریش زنان و دختران را بیشتر متوجه خود می‌سازد و در شیوع فحشاء و تحریك غریزه جنسی نقش موثری دارد. (۱۹)

سؤال:

چرا عده‌ای از ریش گذاشتن فرار می‌کنند؟

عده‌ای به خاطر نداشتن آگاهی و برخور دار نبودن از ایمان قوی و از همه بیشتر به خاطر مسخره شدن مقدسات مثل حجاب و ریش و ... توسط انسانهای جاهل سعی می‌کنند به خاطر در امان ماندن از حملات و طعن آنها ریش خود را بزنند و برای تراشیدن ریش خود بهانه‌هایی بیاورند. لذا این افراد گاهی می‌گویند که ما به خاطر رعایت بهداشت صورت خود را می‌تراشیم در حالی که می‌توان ریش داشت و بهداشت را هم رعایت کرد و اگر واقعًا مسأله بهداشت مطرح است، چرا موهای سرشان را نمی‌زنند.

و گاهی می‌گویند:

مسأله ریش گذاشتن مربوط به صدر اسلام می‌باشد به خاطر این که عربستان منطقه گرم و سوزانی بوده، اسلام برای حفظ پوست صورت دستور گذاشتن ریش را داده، این توجیه هم بطلانش با آن همه دلیل بر ضررهای تراشیدن ریش روشن است.

عده‌ای برای اطاعت نمودن از همسر خود این فعل را انجام می‌دهند، عده‌ای هم به خاطر تقلید از دیگران.

و چه زیبا شاعر سروده است:

خلق را تقلیدشان بر باد داد

ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

عده‌ای هم به خاطر غفلت از زیانهای بهداشتی آن، عده‌ای هم به دلیل زیبایی، چهره‌ی خود را با نداشتن مو در صورت می‌دانند، عده‌ای هم تمدن را به تراشیدن ریش می‌دانند و عده‌ای هم برای فرار از ریش گذاشتن می‌گویند:

انسان کارهای دیگرش را درست کند در حالی که این حرف هم درست نیست، زیرا اسلام مجموعه‌ای از دستورات حیات بخش است که باید واجبات آن را عمل کرد و محرماتش را ترک کرد، اگر ریش تراشی حرام شد، باید انجام نداد و این توجیهات پذیرفته نیست.

نکات مهم:

۱ – بر اساس این که اسلام به نظم و مرتب بودن انسان در تمام مراحل زندگی سفارش نموده، شایسته است انسان مسلمان محاسن خود را مرتب شانه نماید و از ژولیدگی و بی‌قوارگی ریشهایش جلوگیری نماید تا ظاهری زیبا و پاکیزه داشته باشد و سبب ترغیب مردم به دین گردد.

انشاء الله روایات شانه کردن ریش را در چند فصل آینده خواهد آمد.

۲ – امکان دارد بعضی از اشخاص نخواسته باشند محاسن بلند یا معمولی داشته باشند، چنین افرادی می‌توانند ریش‌های خود را طوری کوتاه کنند که عرفا ریش دار بودن صدق کند.

آنچه در اسلام حرام می‌باشد زدن ریش از ته است و دیگر فرقی بین ماشین و تیغ نیست.

۳ – روایاتی که آورده می‌شود در فضیلت ریش گذاشتن روشن می‌کند که اسلام ضمن بها دادن به معنویت و باطن به ظواهر بسیار اهمیت می‌دهد. لذا یک مسلمان وظیفه دارد هم در جهت معنویت و ارتقاء مکارم اخلاق تلاش نماید و هم ظواهر خود و خانه و خانواده‌اش را بر اساس گفته‌های ائمه اطهار عَلَيْهِمُ‌السَّلَام حفظ نماید و اگر نتوانست در جهت باطن و پرورش روح رشد کند لااقل ظاهرش را اسلامی نگه دارد، نه این که بگوید:

اکنون که من از جهت معنوی و اخلاقی مشکل دارم پس ظاهر را درست کردن چه فایده‌ای دارد و با تراشیدن ریش گناهی را بر

سایر گناهان بیفزاید.

فصل چهارم، تراشیدن ریش از منظر قرآن

سوال:

آیا قرآن اشاره‌ای به حرمت ریش تراشیدن کرده است؟

جواب: آری. در چند آیه از قرآن می‌رساند که تراشیدن ریش حرام است.

«و اذا ابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن» (۲۰)

در کتاب گرانسنگ و ارزشمند وَسَائِلِ الشِّیعَهٔ از تفسیر علی بن ابراهیم قمی (ره) که در وثاقت و اعتبار او حرفی نیست در ذیل آیه‌ی شریفه از حضرت امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام نقل شده است که فرمودند:

وقتی خداوند حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَام را خوب مورد امتحان قرار داد به این که فرزندش اسماعیل را ذبح کند، حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَام پس از بیدار شدن تصمیم بر ذبح فرزند خویش گرفت و پروردگار هم به جهت پاداش حضرت ابراهیمعَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

«پروردگار هم به جهت پاداش به حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

ما تو را امام بر مردم قرار دادیم و سپس ((حنیفیت)) یعنی پاکیزگی که ده چیز پاک است را بر او نازل کرد، حضرت هم آنها را با خود آورد که تاکنون نسخ نشده و تا روز قیامت هم نسخ نشده و تا روز قیامت هم نسخ نخواهد شد که پنج چیز آن راجع به سر و عبارت است از:

۱ - گرفتن شارب (سبیل)

۲ - ریش گذاشتن

۳ - تراشیدن موی سر

۴ - مسواک کردن

۵ - خلال نمودن.

و پنج چیز دیگر آن مربوط به بدن است که عبارتند از:

۱ - تراشیدن موهای زائد بدن ۲ - ختنه کردن

۳ - ناخن گرفتن

۴ - غسل جنابت

۵ - طهارت با آب. (۲۱)

تا اینجا معلوم شد که بنا به فرموده‌ی حضرت امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام یکی از احکام دهگانه‌ی آیین ابراهیمی ریش گذاشتن است که خداوند بر حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَام نازل فرموده است.

خداوند تبارک و تعالی در سوره نحل می‌فرماید:

اتبع مله ابراهیم حنیفا. (۲۲)

ترجمه: (ای رسول ما از آیین حنیف و پاک حضرت ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَام تبعیت کن).

و معلوم شد یکی از احکام این آیین ابراهیمی گذاشتن ریش است.

حال آیا تنها پیامبر اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم مامور به پیروی از آیین ابراهیمی می‌باشند؟ خیر زیا خداوند در سوره آل عمران فرموده:

«قل صدق الله فاتبعوا مله ابراهیم حنیفًا» (۲۳)

ای پیامبر به امت خود بگو، راست گفت خدا: از آیین پاک ابراهیم عَلَیْهِ السَّلَام پیروی کنند.

«و ما اتئکم الرسول فخذوه و ما نهئکم عنه فانتهوا».

ترجمه: آنچه را پیغمبر برای شما آورده (از حکم) آن را بگیرید و از آنچه شما را نهی فرموده است خود داری کنید).

و ما روایات زیادی از پیامبر اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم داریم پیرامون نهی از تراشیدن نهی و امر نمودن به گذاشتن ریش.

«و لا تلقوا باید یکم الی التهلکه». (۲۴)

ترجمه: (و خودتان را به دست خودتان به هلاکت نیندازید).

چون تراشیدن ریش دارای امراضیست لذا قرآن هم اشاره دارد که نباید کسی خود را به هلاکت بیندازد، آن هم بدست خود و امراض آن را ما در فصل اول آوردیم

پس با توجه به پنج آیه‌ی فوق و فرمایش امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام روشن شد که بنا به آیات قرآن، هم پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم و هم امت ایشان مامورند به ریش گذاشتن.

ممکن است (درباره‌ی آیه ۹۵ سوره آل عمران) گفته شود «اتبعوا» صیغهی امر است و دلالت ب رمطلق مطلوبیت اعم از وجوب و استحباب دارد، لذا ممکن است این پیروی کردن واجب نباشد بلکه مستحب باشد.

در جواب عرض می‌شود درست است که صیغه‌ی امر دلالت بر اعم از وجوب و استحباب دارد، لکن در صورتی که قرینه‌ی حمل بر استحباب موجود نباشد، عقل حکم بر لزوم اطاعت از امر مولی می‌کند و در این آیه‌ی شریفه این چنین است.

باز ممکن است گفته شود قرینه بر استحباب موجود است و آن این که ریش گذاشتن در سیاق بعضی از مستحبات قرار گرفته پس به حکم وحدت سیاق باید حمل بر استحباب شود.

عرض می‌شود بله در سیاق بعضی از مستحبات قرار دارد لیکن در بین این ده چیز غسل جنابت هم وجود دارد که یکی از غسلهای واجب می‌باشد، به همین دلیل می‌توان گفت در اینجا قرینه حمل بر استحباب وجود ندارد و لذا هر کدام از اینده چیز به سبب صیغه‌ی اتبعوا عقلًا واجب خواهد بود مگر این که رخصتی از جانب شارع به ما رسیده باشد که در بعضی از اینها همچون مسواک زدن رخصت رسیده و در بعض دیگر مانند غسل جنابت و ریش تراشی رخصتی به ما نرسیده است.

نتیجه این که ریش گذاشتن به حکم عقل واجب می‌باشد.

فصل پنجم، سیره‌ی عملیه‌ی انبیاء و اولیاء دلیل بر ریش گذاشتن و دلیل عقلی بر لزوم ریش گذاشتن

سیره‌ی عملیه‌ی انبیاء و اولیاء دلیل بر ریش گذاشتن

وقتی انسان با دقت به تاریخ زندگی انبیاء و اولیاء نظر می‌کند در می‌یابد که از زمان حضرت آدم عَلَیْهِ السَّلَام تا عصر حاضر از پیامبران، اولیاء، صدیقین و صلحاء و هر کس که معتقد به دین بوده، ریش تراش نبوده‌اند و آن را از منکرات می‌دانسته‌اند و احدی از علماء و رهبران دینی یعنی مراجع معظم تقلید شیعه بلکه علماء اهل تسنن و حتی علماء ادیان دیگر و بعضی از سلاطین و اطباء و دانشمندان خارجی مرتکب ریش تراشی نشده‌اند.

خوب اهتمام ورزیدن انبیاء و اولیاء و رهبران دینی در طول زمانها به ریش گذاشتن و نتراشیدن ریش حتی برای یک مرتبه کشف از این نمی‌کند که ریش گذاشتن مطلوب مولی بوده و حجتیست بر علیه کسانی که ریش می‌تراشند؟ حتمًا جواب خواهید داد بلی.

دلیل عقلی بر لزوم ریش گذاشتن

یکی از دلائلی که بر لزوم ریش گذاشتن اقامه شده است دلیل عقلیست به این ترتیب که:
عقل سالم به هر انسانی حکم می‌کند که عبد و بنده‌ی مولا، کسیست که در تمام رفتار و کردار متوجه مولای خود بوده و در هیچ لحظه‌ای دمی بر خلاف رضای مولای خود بر ندارد که اگر برداشت دیگر بنده‌ی او نیست بلکه بنده‌ی همان است که در تحت سلطه‌ی او قرار دارد چرا که هر چه در بند آنی بنده‌ی آنی و بر کسی پوشیده نیست که مولای حقیقی و آنکه، هر کس هر چه دارد از خدای تبارک و تعالیست و دیگران همه بنده‌ی او و هستند و اقتضای بندگی این مولای عزیز، اینست که هر چه او از ما خواسته به همان نحو مطلوبی که مورد رضایتش می‌باشد به جا آوریم تا بدین وسیله به وظیفه بندگی خویش عمل کرده باشیم.
ریش گذاشتن یکی از اموریست که نبابر حسب آنچه از منابع موجود بر می‌آید (کتاب، سنت، عقل و اجماع) مطلوب مولای حقیقی بوده و ترخیصی هم از او در تراشیدن آ «به ما نرسیده، لذا بندگی اقتضاء می‌کند هر کس خود را بنده‌ی او و مید اند ریش خود را نتراشد تا به وظیفه‌ی بندگی خویش عمل کرده باشد که اگر خدای ناکرده تراشید از زمره‌ی بندگان او خارج شده و از دیدگاه عقل سلیم کاری ناپسند و قبیح مرتکب گشته و استحقاق عقاب هم دارد.
به امید این که در باقی مانده‌ی عمر خویش در زمره‌ی بندگان شایسته‌ی او قرار گرفته و نواهی او را ترک و دستوراتش را آن طور که مورد رضایت او می‌باشد عمل نماییم. انشاء الله.
(در پاورقی – شیخ عباس قمی در منتهی الآمال در ماه رجب تعجب می‌کنم از کسانی که ریش ندارند ... حرم شیبتی علی النار)

فصل ششم؛ احادیث درباره‌ی ریش و ریش تراشی

بخش اول؛ احادیث درباره‌ی ریش گذاشتن

حدیث اول؛ ریش گذاشتن دستور خداست

خسرو پرویز پادشاه ایران برای باذان (پادشاه یمن) نامه نوشت که دو نفر از مردان دلیر خود را به مدینه بفرست تا پیامبر اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم را به خدمت ما بیاورند، باذان دو نفر به نامهای (بانویه) و (خرخسک) را به مدینه حضور پیامبر فرستاد.
این دو نفر وارد مدینه شده و حضور پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم رسیدند بانویه بعرض رساند که پادشاه ایران (کسری) برای پادشاه یمن (باذان) نامه نوشته و فرمان داده دو نفر از مردان خود را به سوی شما فرستد شما را به خدمتش ببرند، باذان هم ما را فرستاده تا با هم به حضور پادشاه ایران برویم، اگر این پیشنهاد را می‌پذیرید، من نامه‌ای برای سلطان ایران می‌نویسم و در آن نامه سفارش شما را می‌کنم که اذیت و آزاری به شما نرساند و الا خودتان می‌دانید که کسری شما را کشته و بلاد شما را نیز ویران می‌کند، این دو نفر که حضور پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم رسیده بودند ریشهای خود را تراشیده و سبیل‌های خود را گذاشته بودند، حضرت از روی کراهت فرمودند:
وای بر شما چه کسی شما را به این وضع امر کرده؟ گفتند:
خدای ما کسری، پس حضرت فرمودند:
«امرنی ربی ان اعفی لحیتی و اقص شاربی»
خدایم به من دستور داده که ریش را بلند و شاربها را کوتاه سازم. (۲۵)
شاهد روایت: ریش تراشیدن امری قبیح و مورد غضب پروردگار بوده که پیامبر از دیدن آنها کراهت داشته‌اند و کلامشان را با کلمه‌ی ویل که نام وادی جهنم است شروع کرده‌اند، همین دو امر کفایت می‌کند بر این که ریش تراشی جایز نیست و لذا اگر کسی از روی عمد مرتکب شود محروم از بهشت و مستحق عقاب الهی خواهد بود.

حدیث دوم؛ ریش زینت حضرت آدم عَلَیْهِ السَّلَام و فرزندان ذکور اوست

عن النبی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم:

لَمَّا تَابَ اللَّهُ عَلَی آدَمَ عَلَیْهِ السَّلَام أَتَاهُ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکَ وَ هُوَ یُقْرِئُکَ السَّلَامَ – وَ یَقُولُ یَا آدَمُ حَیَّاکَ اللَّهُ وَ بَیَّاکَ – قَالَ أَمَّا حَیَّاکَ اللَّهُ و بَیَّاکَ الله – قَالَ فَسَجَدَ آدَمُ عَلَیْهِ السَّلَام فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ قَالَ یَا رَبِّ زِدْنِی جَمَالًا فَأَصْبَحَ وَ لَهُ لِحْیَةٌ سَوْدَاءُ کَالْحُمَمِ فَضَرَبَ بِیَدِهِ إِلَیْهَا – فَقَالَ یَا رَبِّ مَا هَذِهِ؟ فَقَالَ هَذِهِ اللِّحْیَهُ زَیَّنْتُکَ بِهَا أَنْتَ وَ ذُکُورَ وُلْدِکَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَه.

ابن مسعود از نبی اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم روایت کرده:

چون خداوند توبه حضرت آدم عَلَیْهِ السَّلَام را قبول کرد، جبرئیل نزد او آمد و گفت:

من فرستاده‌ی خدا به سوی تو هستم خدا به تو سلام می‌رساند بعد خود جبرئیل گفت:

زنده بدارد تو را خدا و خندان سازد تو را خدا. پس حضرت آدم عَلَیْهِ السَّلَام سجده کرد، سپس سر از سجده برداشت و رو به طرف آسمان گفت:

پروردگارا جمال مرا زیاد کن، صبح که شد ریش سیاهی در صورت او روییده شده بود با دست آنها را گرفت و عرض کرد:

پروردگارا این چیست؟

خطاب شد:

این ریش است که زینت دادم تو را و فرزندان پسر تو را به آن تا روز قیامت. (۲۶)

از این حدیث استفاده می‌شود آنچه را که خالق هستی زینت دهنده‌ی و زیبنده مقام حضرت آدم عَلَیْهِ السَّلَام و فرزندان ذکور او تا روز قیامت دانسته ریش است و بهه یمن جهت که ریش زینت مردان است و در زبان فارسی هم از آن به محاسن یاد می‌شود.

حدیث سوم:

ریش نشانه مرد بودن و سبب عزت آقایان است

عن الصادق عَلَیْهِ السَّلَام:

...فاذا ادرک و کان ذکرًا طلع الشعر فی وجهه فکان ذلک علامه الذکر و عز الرجل الذی یخرج به من حد الصبا و شبه النساء و ان کانت انثی یبقی وجهها نقیا من الشعر لتبقی لها البهجه و النظاره التی تحرک الرجال لما فیه دوام النسل و بقاؤه.

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند:

زمانی که انسان به حد بلوغ رسید، اگر مرد بود مو در صورت او روییده می‌شود که این موهم علامت مرد بودن و هم موجب عزت او خواهد بود و به وسیله‌ی آن از مرحله‌ی کودکی و از شباهت داشتن به زنان خارج می‌شود و اگر زن بود در صورت او مو روییده نمی‌شود تا این که زیبایی و طراوتی که تحریک کننده‌ی مردان است به ازدواج و در سایه‌ی آن تولید نسل و بقاء انسان انجام می گیرد باقی بماند.

سپس حضرت فرمودند:

اگر مو در صورت مردی روییده نشود آیا در شکل کودکان و زنان نمی‌ماند. بعد فرمودند:

دیگر وقار و شکوهی در او دیده نمی‌شود. (۲۷)

در ادامه حدیث آمده است که مفضل عرض کرد:

من عده‌ای از مردها را دیده‌ام که در سن پیری از صورتشان مو روییده نمی‌شود.

حضرت فرمودند:

«این به خاطر اعمالیست که در قبل از شماها سر زده است و خدا به بندگان خویش ظلم نمی‌کند». (۲۸)
پس روییدن مو در صورت مردان نشانه‌ی خروج از زمان طفولیت و شباهت نداشتن به زنان و سبب شکوه و وقار آنها خواهد بود.
حدیث چهارم:
بر خلاف مشرکین باشید
رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرموده‌اند:
بر خلاف مشرکین باشید سبیل‌ها را از ته کوتاه کنید و محاسن را بلند بگذارید. (۲۹)

بخش دوم؛ احادیث در باب تراشیدن ریش

حدیث اول؛ ریش تراشیدن تغییر فرمان خداست

اشاره

قال الله تبارک و تعالی: و قال لاتخذن من عبادک نصیبًا مفروضًا و لاضلنهم و لامنینهم و ل آمرنهم فلیبتکن آذان الانعام فلیغیرن خلق الله. (۳۰)
خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:
شیطان می‌گوید هر آینه فرا می‌گیرم از بندگان تو بهره‌ای که مقرر شده و هر آینه گمراه می‌کنم و آرزومند می‌سازم ایشان را و امر می‌کنم که بشکافند گوشهای چهارپایان را و تغییر دهند خلقت خدا را.
شاهد در قسمت آخر آیه است که شیطان می‌گوید:
من امر می‌کنم که بندگان تو تغییر دهند خلقت تو را البته البته.

سؤال: تغییر در خلقت چیست که شیطان دستور به آن می‌دهد؟

جواب: از امام باقر و صادق علیهما السلام در جد سوم تفسیر تبیان ص ۳۳۴ روایات شده که مراد از تغییر، تغییر در فطرت توحید و تغییر در فرمان خداست.
بنا بر فرمایش این بزرگواران آیا ریش تراشیدن از موارد تغییر در فطرت توحید و فرمان خدا نیست؟
چرا. به دلیل این که انسانها فطرتًا محد و خداپرست و عامل بهدستورات خدا خلق شده‌اند و بر همین اساس با تمام وجود به دستورات او عمل می‌کنند و هیچگاه بر خلاف فرامین او عمل نخواهند کرد، حال کسی که بر اساس وسوسه‌های شیطانی ریش می‌تراشد در حقیقت بر خلاف فرمان پروردگار خود عمل می‌کند چرا که پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرموده‌اند:
پروردگارم به من امر کرده که ریشم را بگذارم.

حدیث دوم؛ تراشیدن ریش از مصادیق مثله است

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرموده‌اند:
حلق اللحیه من المثله و من مثل فعلیه لعنه الله.
تراشیدن ریش از مثله (شکنجه و آزار جسم و روح) است و هر که مثله کند بر او باد لعنت خداوند. (۳۱)

مثله یعنی بریدن و قطع کردن گوش یا بینی یا لب و یا انگشتان و ... که نبی اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم از آن نهی فرموده‌اند حتی در مورد سگ گزنده و در این روایت پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم ریش تراشیدن را از مصادیق مثله کردن شمرده‌اند که این خود دلیل بر حرمت ریش تراشی دارد.

حدیث سوم؛ تراشیدن ریش سیره‌ی مجوسیهاست

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرموده‌اند:

حفوا الشوارب و اعفوا الحی و لا تتشبهوا المجوس.

همانا مجوسیها ریشهای خود را می‌زدند و سبیلها را نمی‌زنند، اما ما سبیلهای خود را می‌زنیم ولی ریشهای خود را نمی‌زنیم و این فطرت دین است و تغییر نمی‌کند.

در روایتی دیگر آمده است که سبیلهای خود را بزنید و ریشهای خود را نتراشید و خود را شبیه آتش پرستها قرار ندهید. (۳۲)

حدیث چهارم؛ عمل قوم لوط

قوم لوط مردمی آلوده و ناپاک بودند که خداوند سبحان در اثر عمل شنیع لواط آنها را نابود ساخت و یکی از اعمالی که سبب نازل شدن عذاب بر آنها شد تراشیدن ریش بود.

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرموده‌اند:

ده عمل زشت و گناه باعث عذاب قوم لوط شد، یکی عمل لواط و آن حضرت بقیه اعمال آنها را شمرد تا این که فرمود:

و تراشیدن ریش و بلند گذاشتن سبیل‌ها دو عمل و گناهی بود که سبب از بین رفتن قوم لوط شد. (۳۳)

حدیث پنجم؛ تراشیدن ریش همراه با مسخ شدن

اشاره

حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند:

در زمان گذشته گروهی ریش تراشیدند و سبیلها را می‌تا بیدند حق تعالی ایشان را مسخ کرد. (۳۴)

خوب به این حدیث توجه فرمائید ببینید که مولا حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام می‌فرماید:

عده‌ای به خاطر این که ریش خود را تراشیدند مسخ شدند.

سؤال: ممکن است عده‌ای بپرسند مسخ در امت اسلام نخواهد بود و این حدیث نمی‌تواند دلیل حرمت باشد؟

مسخ در مقابل نسخ است که هب معنای قطع علاقه یک روح از بدن و تعلق آن بر بدن انسان و یا حیوان دیگر است که به آن تناسخ هم گفته می‌شود. از نظر علمای اسلامی نسخ یا همان تناسخ باطلاست و چنین چیزی امکان پذیر نیست. هر چند که بعضی از فلاسفه آن را پذیرفته‌اند.

ولی مسخ یعنی تبدیل شکل انسان به شکل حیوان، مورد پدیرش اکثریت قریب به اتفاق دانشمندان اسلامیست و ظاهر آیات و روایات به آن دلالت دارد.

در قرآن آیاتی مربوط به مسخ است که عبارتند از:

(یس / ۶۷، بقره / ۶۵، نساء / ۴۷، اعراف / ۱۶۳ – ۱۶۷، مائده. ۶۰).

این آیات به روشنی بر یک حقیقت دلالت دارند و آن این که گروهی از گنهکاران در میان امتهای پیشین به صورت بوزینه و خوک مسخ شده‌اند به این صورت که چهره و قیافه انسانی آنها تغییر یافته و به شکل حیوان در آمده است.

نوع دانشمندان اسلامی این حقیقت را به همین صورت پذیرفته‌اند و آن را یک معجزه الهی می‌دانند.

تغییر شکل ظاهری انسان به حیوان از لحاظ عقلی محال نیست و ما نمی‌توانیم به صرف استبعاد، از ظاهر روشن آیات قرآنی دست برداریم به خصوص این که ظواهر این آیات را روایتهای متعددی تقویت می‌کند.

از جمله این روایات روایات متعددیست که درباره‌ی اصحاب سبت وارد شده، بعضی از این روایات را مرحوم علامه مجلسی (ره) در کتاب شریف بِحار الْاَنْوار ج ۱۴ ص ۵۰ به بعد آورده است و در روایتی آمده که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

از خوردن مسوخ منع شده تا مردم از آنها نفع نبرند و عقوبت را خفیف نشمارند. (۳۵)

روایات در این زمینه زیاد است تا جایی که در پرسشی که از سید مرتضی شده ادعای تواتر این روایات را نموده است. (۳۶)

گاهی کفته می‌شود که این کار با سیر کمالی انسان مخالف است و از لحاظ فلسفی انسان نمی‌تواند در سیر استکمالی خود به ناقص برسد و یا قهقرا کند، پاسخ این اشکال روشن است زیرا چون ماهیت انسان تغییر نمی‌یابد بلکه فرد مسخ شده با حفظ ماهیت انسانی خود فقط از لحاظ قیافه به شکل حیوان دیده می‌شود که نوعی عقوبت الهیست و اساسًا تغییر چهره‌ی انسانی ربطی به مراحل استکمالی او ندارد و گرنه باید تغییر قیافه‌ی شاداب یک جوان به قیافه‌ی افسرده‌ی پیر که در طول زمان صورت می‌گیرد نیز محال باشد در حالی که چنین نیست و همواره جوانها پیر می‌شوند و قیافه‌های نامطلوبی به خود می‌گیرند.

مرحوم سید مرتضی علم الهدی ضمن تأیید این که چنین تغییر قیافه‌ای محال نیست پرسشهایی را در این زمینه مطرح می‌کند.

از جمله این که، چگونه تغییر قیافه انسان با شکل حیوان، مجازات محسوب می‌شود؟ در پاسخ می‌گوید:

اگر این شکل در آغاز به همین صورت آفریده شده باشد، مجازات نیست ولی اگر یک انسان زنده‌ای که به زیباترین شکل ممکن آفریده شده تغییر کشل بدهد و به صورت حیوان در آید، این مجازات است زیرا که شخص از این تغییر دچار غم و غصه و تأسف می‌شود. (۳۷)

یعنی آنها از وضع خود آگاهی داشتند و رنج می‌برند. (۳۸)

مطلبی که باقی می‌ماند اینست که آیا مجازات مسخ مخصوص امهای پیشین بوده و برای امت اسلامی چنین مجازاتی اعمال نخواهد شد و یا این یک کیفر عمومیست احتمال وقوع آن همواره موجود است؟

در بعضی از کتابها به ابن عباس نسبت داده شده که او گفته است این مجازات به امتهای پیشین اختصاص داشت. (۳۹)

و مرحوم علامه مجلسی (ره) گفته است تمام مجازاتهای امم گذشته در این امت هم وجود دارد منتهی به صورت معنویست و مسخ در این امت بهمعنای مردن قلب و روح انسانی و حرمان از علم وک مال است هر چند که به ظاهر صورت آدمی داشته باشد. (۴۰)

ولی رواياتی وارد شده که در میان امت اسلامی هم امکان مسخ وجود دارد. در روایتی آمده که شخصی که با حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام عناد می‌کرد و با نفرین او به صورت سگ در آمد. (۴۱)

و در روایتی آمده که عُمَر بِن سَعْد قاتل امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام پس از کشته شدن به صورت بوزینه‌ای در آمد که در گردنش زنجیر بود.

(۴۲)

و همچنین در روایتی از پیامبر اسلام صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم آمده است که در میان امت من نیز خسف و مسخ اتفاق میافتد. (۴۳) و در روایتی از امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام آمده که بنیامیه در حال مرگ مسخ میشدند و از جمله عبدالملک بن مروان به شکل قورباغه در آمد. (۴۴)

و در روایتی هم آمده است که: هیچ یک از بنیامیه نمیمیرند مگر آنکه به صورت چلپاسه (مارمولک) مسخ میگردند.

با این توضیحاتی که داده شد احتمال مسخ شدن وجود دارد.

حدیث ششم؛ دلیل حرمت ریش تراشی

روی عن حبابه الوالبیه آنها قالت: رأیت امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام فی شرطه الخمیس و معه دره یضرب بها بیاعی الجری و المار ماهی و المیر و الطافی و یقول لهم یا بیاعی مسوخ بنیاسرائیل و چند بنی مروان فقام الیه فرات بن احنف فقال له یاامیرالمؤمنین و ما چند بنی مروان؟

فقال عَلَیْهِ السَّلَام:

اقوام حلقوا اللحی و فتلوا الشوارب فمسخوا.

علامه محمد باقر مجلسی (رحمه الله) به نقل از مرحوم کلینی (رحمه الله) از حبابه الوالبیه روایت کرده که میگوید:

دیدم حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام را در جلو لشکر با تازیانهای فروشندگان ماهی جری و مار ماهی و ماهی زمیر و ماهی طافی (انواع ماهیهای حرام گوشت) را میزدند و میفرمودند:

ای فروشندگان مسوخ بنیاسرائیل و بنی مروان. پس فرات ین اخنف بلند شد و عرض کرد یا علی لشکر بنی مروان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند:

«اقوام حلقوا اللحی و فتلوا الشوارب فمسخوا». اقوامی بودند که ریشهایشان را میتراشیدند و سبیلها را تاب میدادند و خدا هم ایشان را مسخ نمود. (در اثر این دو گناه مسخ شدند و به شکل حیوانات در آمدند). (۴۵)

حدیث هفتم؛ تراشیدن ریش از کارهای بابیت است

او در اقدس ص ۴۲ میگوید:

پوشیدن لباس ابریشم برای مردها حلال است و محدود شدن در لباس و ریش برداشته شود شما در پوشیدن هر نوع لباس و تراشیدن ریش آزادید. (۴۶)

حدیث هشتم؛ ریش تراشی شبیه نمودن مرد است صورت خود را به صورت زن

عن الباقر عَلَیْهِ السَّلَام انه قال:

ان رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم لعن المشتبهین عن الرجال بالنساء و لعن المشتبهات من النساء بالرجال.

از امام باقر عَلَیْهِ السَّلَام روایت شده که رسول اکرم صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم لعنت کردهاند مردانی که خود را به شکل زنان و زنانی که خود را به شکل مردان در آورند. (۴۷)

ستودن محاسن برای مردان

چنانچه زنان در پوشاندن صورت آرایش کرده و زینت یافته‌ی خویش وظایفی دارند برای مردان نیز سزاست که صورت خویش را از محاسن خالی نگذارند و در حقیقت سیمای مردان با وجود محاسن نشان تمایز آنان از زنان است.

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام می‌فرمانید:

ریش در صورت سبب عزت مرد است و به وسیله محاسن مرد از بچه بودن خارج می‌شود و همچنین صورتش مثل صورت زنان نخواهد بود.

(۴۸)

از امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام سؤال شد چه امتیاز و ارزشی در ریش است که مردان دارند ولی زنان ندارند؟

امام فرمود:

زین الله الرجال باللحی و جعلها فضلًا یستدل بها علی الرجال من النساء.

خداوند مردان را به وسیله‌ی محاسن زینت داده است و فضیلتی برای مردان است و به وسیله ریش مردان از زنان شناخته می‌شوند.

(۴۹)

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمودند:

لیس منا من سلق و خرق لا حلق.

مسلمان واقعی نیست کسی که با بی‌شرمی سخن گوید و مال خود را تبذیر کند و محاسن خود را بتراشد.

(۵۰)

از امام رضا عَلَیْهِ السَّلَام سؤال شد:

آیا برای مرد جایز است ریش خود را بتراشد؟

حضرت فرمود:

دو طرف صورت (گونه‌ها) و زیر گردن اشکال ندارد، اما بقیه صورت جایز نیست. (۵۱)

باید توجه داشت که آنچه در اسلام نکوهیده و حرام می‌باشد تقلید مسلمانان در فرهنگ و آداب و رسوم از بیگانگان است و این که حرکاتی با لباس و ... از خود نشان دهند که در جامعه انگشت نما شوند. زیرا وقتی مسلمانی که اطلاع چندانی ازد ین خود ندارد در نام گذاری فرزند، خیابان، پوشیدن لباس و چهره، غذا خوردن و شکل ساختمان و ... به کفار اقتداء کنند، به تدریج فرهنگ و هویت خد را فراموش می‌کنند و متاسفانه چه بسا افرادی بوده‌اند که در اثر بی‌اطلاعی از اسلام ابتدا در مسائل جزیی از بیگانگان تقلید کرده‌اند و این کار به مرور زمان بر وسعت خود افزوده تا جایی که به طور کلی اصلت خود را از دست داده‌اند بر همین اساس است که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم و ا ئمه اطهار به شدت شبیه شدن به بیگانگان را منع فرموده‌اند و یکی از علل آنکه ریش تراشی در اسلام گناه بزرگی محسوب شده است برای آن است که شخصی که مرتکب این عمل شود عالوه بر ضرر جسمی که این عمل دارد خود را شبیه بیگانگان و کفار نموده است.

رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرموده‌اند:

«لیس منا من تشبه بغیرنا»

کسی که خود را شبیه به غیر مسلمانان در آورد از ما نیست. (۵۲)

«من تشبه بقوم فهو منهم»

هر کس خود را شبیه گروهی کند، از آنها محسوب می‌شود. (۵۳)

«لیس منا عن عمل بسنه غیرها»

مسلمان واقعی نیست کسی که به دستور (آداب و رسوم بیگانه) عمل نماید. (۵۴)

بخش سوم؛ شانه کردن ریشها و چهارده منفعت آن

اشاره

مخفی نماند کسی که ریش خود را می‌تراشد (به هر نحوی که باشد با تیغ یا ماشین) از این منافع بی‌بهره است و از بسیاری از فوائد و برکات شانه کردن ریش به دور است و شانه کردن ریش دارای چهارده منفعت است که از روایات و احادیث اهل بیت به دست آمده است.

۱۴ فائده شانه کردن ریش

۱ – مو را نیکو می‌کند

۲ – حاجت را بر می‌آورد ۳ – در (نیروی) صلب او می‌افزاید

۴ – بلغم را دفع می‌کند

۵ – دندان را محکم می‌کند

۶ – حافظه را زیاد می‌کند

۷ – شانه کردن ریش پی هر وضو فقر را بر طرف می‌کند

۸ – درد را از جسد بیرون می‌کند

۹ – کرم را از بینی دور می‌کند ۱۰ و ۱۱ – گوشت و لثه بین دندان و لثه را پاك می‌کند

۱۲ – هر کس ریش خود را ۷۰ بار شانه کند یکبار یکبار شیطان چهل روز نزدیك او نیاید

۱۳ – زرداب را خاموش می‌کند

۱۴ – با شانه‌ی عاج (استخوان فیل) شانه کردن، مو را در سر می‌رویاند. (۵۵)

در روایات اسلامی آمده است که یکی از شیوه‌های درمان وسواس شانه کردن محاسن می‌باشد. (۵۶)

ریشها را نشسته شانه کنید

۱ – امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند:

هر کس ایستاده محاسنش را شانه کند قرض او را فرا می‌گیرد. (۵۷)

۲ – امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند:

در حمام محاسنت و موهایت را شانه نکن که مو را سست می‌کند. (۵۸)

۳ – حضرت علی عَلَیْهِ السَّلَام می‌فرماید:

شانه کردن ایستاده فقر می‌آورد. (۵۹)

۴ – حضرت امام کاظم عَلَیْهِ السَّلَام می‌فرماید:
شانه کردن ریش در حال ایستاده دل را ضعیف و در حال نشسته دل را قوی می کند.
(۶۰)

کمتر از حد عرفی نبودن

ریش باید کمتر از حد عرفی نباشد یعنی این که در عرف بگویند:
فلانی ریش دارد و این معنا وقتی تحقق پیدا می کند که موی صورت به اندازه‌ای بلند باشد که بتوان با سر انگشتان آنها را گرفت.

دعای وقت شانه کردن

اللهم صل علی محمد و آل محمد و البسنی جمالا ـ فی خلقک و زینه فی عبادك و حسن شعرتی و بصری و لا تبتلینی بالنفاق و ارزقنی المهابه بین بریتك و الرحمه من عبادك یا ارحم الراحمین. (۶۱)
خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیت محمد و عطا کن مرا صورتی نیکو در بین خلق خودت و زیبایی در بین بندگانت و نیکو کن موی مرا و چشم مرا و مبتلا ـ مکن مرا به دورویی و عنایت کن که من فروتنی بین آفریدگان خودت و مهربانی را نسبت به بندگانت ای مهربانترین مهربانان.

فصل هفتم؛ شارب (سبیل)

الف: نوشیدن آب با سبیل بلند از لحاظ بهداشتی

رعایت بهداشت، در تمامی خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها لازم و ضروریست، اگر موی سبیل بلند باشد به ناچار با خوردنی‌های مختلف تماس خواهد داشت.
اگر شخصی دودی و سیگاری باشد سبیلهایش از دود سیگار پوشیده و آلوده خواهد شد که در موقع نوشیدن آب با آب تماس پیدا کرده و میکروبهای مختلف به آب انتقال یافته، دوباره به درون بدن او بر می گردد. بدین جهت در دین اسلام از نوشیدن آب با سبیل بلند نهی شده و مورد مذمت قرار گرفته است.
سبیل بلند از نظر پزشکی هم پسندیده نیست. پس دقت فرمائید که از قدیم گفته ا ند:
«الشارب بالشارب کالشارب» (۱ – مثل مشهور است) هر کس، با سبیل بلند آب بنوشد مانند کسیست که شراب بنوشد (آشامیدن با سبیل مانند آشامیدن مشروب است).
مخفی نماند این تشبیه‌ها و سخت گیریها بیشتر به خاطر حفظ بهداشت خود و اجتماع می‌باشد که باید پرهیز کرد و گر نه هیچ وقت گناه آب نوشیدن با سبیل بلند با گناه شرابخواری در کفه ترازو مساوی نخواهد بود.

۱ – رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرمود:

«لا یطولن احدکم شاربه فان الشیطان یتخذه جنه یستتر به»
هرگز کسی سبیلش را بلند نکند، چون شیطان آنجا را برای خود پناهگاه (سپر استتار) قرار می‌دهد. (۶۲)
در روایت دیگر آمده است که حضرت فرمودند:

«لا یطولن احدکم شاربه و لا عانته و لا شعر اِبطه فان الشیطان یتخذها مخابی یستتر فیها.» (۶۳)

۲ – امام صادق و حضرت علی علیهما السلام می‌فرمایند:

گرفتن سبیل از جمعه تا جمعه دیگر امان از مرض جذام است.

(۶۴)

۲ – کوتاه کردن سبیل از دین حنیف ابراهیمی عَلَیْهِ السَّلَام است.

(۶۵)

۴ – از سنتهای سر کوتاه کردن سبیل است.

(۶۶)

۵ – امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

شارب گرفتن رفع غم و وسواس کند.

(۶۷)

۶ – رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم فرمود:

شارب را از ته بگیرید، به یهودیان و گبران خود را شبیه مگردانید و فرمود:

نیست از ما کسی که شارب خود را نگیرد.

(۶۸)

۷ – امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمودند:

هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد، در وقت گرفتن بگوید:

«بِسْمِ اللَّه و بالله و علی سنه محمد و آل محمد» بعدد هر ریزه‌ای که از مو و ناخن او بریزد حق تعالی ثواب یک بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کردن را به او عطا فرماید، بیمار نشود مگر به بیماری مرگ. (۶۹)

ب: عاقبت بلند نگه داشتن سبیل در کلام رسول الله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم

۱ – مسلمان واقعی نیست.

رسول خدا عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

«یا علی من لم یاخذ شاربه فلیس منا»

یا علی! کسی که سبیل خود را کوتاه نکند مسلمان واقعی نیست.

۲ – بی‌بهره از شفاعت

«و لم تنل شفاعتنا التارک لشاربه»

و شفاعت ما شامل کسی که سبیل خود را کوتاه نمی‌کند نمی‌شود.

۳ – ملعون خداوند و فرشتگان

«لم یزل فی لعنه الله و الملائکه»

و همیشه مورد لعن خداوند فرشتگان است.

۴ – مانع اجابت دعا

«و لا یستجاب له دعاء»

دعای او به استجابت نمی‌رسد.

۵ – باعث سخت جان دادن

«و اذا قبض روحه قبض بشده»

و در هنگام قبض روح با سختی روحش از بدن جدا میشود.

۶ – سبب عذاب در قبر

«و عذابه فی القبر صعب»

عذاب او در قبر بسیار سخت است.

۷ – تسلط مارها و عقربها

«و یسلط علیه الحیات و العقارب بکل شعره»

برای هر موی سبیل مارها و عقربها بر او مسلط میشوند.

۸ – عذاب همیشگی

«و کان معذبا الی القیامه»

انسانی که سبیل خود را کوتاه نکند تا قیامت در قبر عذاب میشود.

۹ – اهل جهنم

«و اذا خرج من قبره کان مکتوبا بین عینیه هذا من اهل النار»

و هنگامی که از قبرش خارج میشود و در پیشاپیش نوشته شده که این شخص اهل جهنم است.

(۷۰)

فصل هشتم؛ دیه آسیب رساندن به ریش

و اجرت گرفتن

تراشیدن ریش دیه دارد

برای ازاله موی ریش در شرع دیهی کامل مقرر شده و هر که چنین باشد فعلش بر غیر بلکه بر صاحبش حرام است.

دیه آسیب رساندن به ریش

آنقدر ریش در اسلام ارزش دارد و به آن اهمیت داده شده که اگر کسی ریش دیگری را بکند و یا کاری کند که ریش او به طور کلی از بین برود باید دیه کامل بپردازد و اگر قسمتی از ریش رویید و قسمت دیگر نرویید باید یک سوم دیه را بدهد.

امام صادق عَلَیْهِ السَّلَام فرمود:

«قضی امیرالمؤمنین فی اللحیه اذا خلقت فلم تنبت الدیه کامله فاذا نبتت فثلث الدیه»

امیرالمؤمنین عَلَیْهِ السَّلَام در مورد کسی که ریش دیگری را از بین ببرد به طوری که اصلًا نروید حکم کردند باید دیه کامل بپردازد و اگر قسمتی از آن رویید باید یک سوم دیه را بدهد. (۷۱)

حضرت امام خمینی (رحمه الله) در تحریرالوسیله ج ۲ بحث دیهی موی سر و ریش همین فتوی و حکم را در میان فتاوی انتخاب مینمایند. (۷۲)

یک سؤال مهم:

اجرت بابت تراشیدن ریش

سؤال: اجرت گرفتن بابت تراشیدن ریش چه حکمی دارد؟

جواب: پولی را که پیرایش گر و تراشندهی ریش به عنوان اجرت می گیرد حرام است.

چرا که رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّم فرمودند:

اذا حرم الله شیئًا حرم ثمنه.

وقتی خدا چیزی را حرام نموده اجرت آن را نیز حرام کرده است.

(۷۳)

نکتهای به برادران:

بایـد توجه داشت که احکامی را که مراجع تقلیـد می گویند از قرآن و روایات اهل بیت عصـمت و طهارت استخراج کرده و بیان میفرمایند در حق کسانی که از آنها تقلید می کنند حکم خداست، لذا افرادی که مرجعشان میفرماید:

ریش تراشـی حرام است خواه به صورت فتوا و حکم و خواه به صورت احتیـاط وجوبی، بداننـد که اجرت گرفتن بـابت آن را نیز به همان صورت حرام میدانند.

فصل نهم؛ جویدن مو و امراض آن

جویدن مو و امراض آن

این فصل ربطی به تراشیدن ریش ندارد البته کسانی هستند که موهای خود را میخورند حال یا موهای سبیل یا محاسن و یا در بین زنان گیسوان خود را.

بیمـاری گیسو خوردن (تریکوبنروار – فیتوبنروار) مخصوصـاً بین دختران جوان و بـانوان دیـده شـده که حتی آنقـدر دیـده شـده که موهای خورده شـده در معـده جمع و ترکیب و شـکل معـده تغییر یافته است و نیز کسانی که عادت دارند شانه را در دهان بگیرند و چند تار مو را ببلعند و نزد زنانی که ویار دارند نیز دیده شده است.

در بین مردان نیز کسانی هستند که موهای شارب خود را لای دندانها گذارده و میجوند و ذراتش را میخورند با سر ریش خود را برگردانده آن را جویده جدا شدهها را بلع مینمایند.

اولین مرتبه به وسیله دانشگاه ریود وژا نیرو این حقیقت کشف و اعلام گردیـد که خوردن مو سبب پیدایش خمودگیهای روحی میگردد و کسـانی که عـادت به مو خوردن یافتهانـد دچـار تزلزل روحی میشونـد. ولی سـابقه اسـلامی آن به ۱۴ قرن میرسـد که جویدن آن را ممنوع دانستهاند.

نـاگفته نمانــد بیمــاری جنــون کشــیدن و کنــدن موهــا نیز هســت کــه در افراد عصــبانی مزاج دیــده میشــود و بیمــاری (TrichoKrptomania) پاره و قطع کردن مو که بهترین روش درمانی از طریق روانشناسیست (۷۴)

فصل دهم؛ داستانی دربارهی ریش تراشی

داستان آیت الله بافقی (رحمه الله)

روزی آیت الله شهید حاج شیخ محمد تقی بافقی (رحمه الله) به حمام عمومی تشریف میبرد البته هر فرد با ورود به محوطهی اصلی حمام با شخصیت ظاهریش که با لباس شناخته میشود، نا معلوم خواهد بود.

در آن جا بین ثروتمنـد و فقیر، شاه و گـدا فرقی نیست و همه یکسان و مانند هم میباشـند. وقتی آیت الله بافقی (رحمه الله) به داخل حمـام وارد میشود ناگهان با صـحنهای روبرو میشود که بایـد به وظیفه خویش یعنی (نهی از منکر) عمل نمایـد. میبینـد فردی در

برابر آیینه مشغول تراشیدن ریش خود هست به او نزدیک می‌شود و برای ادای تکلیف دینی خود و شکستن این سنت غلط که مورد تحریم مراجع بزرگوار است به وی تذکر می‌دهد که آقا این عملی که شما انجام می‌دهید، یعنی تراشیدن ریش حرام است و آن را ترک کن.

آن شخص که یکی از سرهنگ‌های بلند پایه‌ی ارتش رضا خانی بود وقتی در برابر نصایح خیرخواهانه آن اسوه‌ی تقوا و پرهیزگاری واقع می‌شود غضبناک شده و بی‌درنگ سیلی محکمی به صورت آن عالم وارسته می‌نوازد.

آیت الله بـافقی (رحمه الله) بـا مـواجه شـدن بـا چنین عکس العملی، طرف دیگر صـورت خـویش را به سـوی آن شخصـمی گیرد و می‌فرماید:

«به این طرف صورتم نیز سیلی دیگر بزن و از این کار حرام دست بردار»

آن شـخص مغرور وقتی با این همه بزرگواری و سعه‌ی صدر آیت الله بافقی (رحمه الله) روبرو می‌شود، از دلاک حمام که آیت الله بافقی را می‌شناخت سؤال می‌کند این آقای بزرگوار کیست؟

او جواب می‌دهد ایشان حضرت آیت الله حاج شیخ محمد تقی بافقی می‌باشند. وقتی سرهنگ ارتش رضاخانی آن عالم جلیل القدر را می‌شـناسد خدمت ایشان شـرفیاب می‌شود و با نهایت پشیمانی عذر خواهی و طلب عفو و بخشش می‌کند و به ایشان قول می‌دهد که از آن زمـان به بعـد دست از عمـل ریش تراشـی بردارد و تـا پایـان عمر مرحوم آیت الله بافقی (رحمه الله) از نزدیکان و مریـدان ایشان محسوب می‌گردد. (۷۵)

فصل یازدهم؛ فتاوی مراجع و علماء قدیم

اشاره

یکی از دلائلی که از برای حرمت ریش تراشی وجود دارد فتاوی علماء و مراجع تقلید است که قائل به حرمت ریش تراشی هستند.

[فتوی به حرمت]

اشاره

البته بعضی از مراجع صریحًا فتوی به حرمت داده‌اند مانند:

۱ – شیخ بهایی (رحمه الله):

تراشیدن ریش مانند سایر گناهان کبیره است.

۲ – کَاشِف الغِطَاء (رحمه الله):

حرمت تراشیدن ریش از مسلمات است.

۳ – علامه محمد باقر مجلسی (رحمه الله):

تراشیدن ریش قطعیست.

۴ – شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله):

تراشیدن ریش حرام است.

۵ – مرحوم صدر اصفهانی (رحمه الله):

ریش تراشی را به طور مفصل تحریم کردم و کسی که قائل به عدم حرمت است از دو حال بیرون نیست، یا از راسخان در علم نیست یا قصدش اظهار فضل است.
والله العالم.

۶ – آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (رحمه الله):

تراشیدن ریش حرام است
و الله العالم. (توضیح المسائل)

۷ – آیت الله العظمی بروجردی (رحمه الله):

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است و حکم خدا به واسطه مسخره کردن مردم تغییر نمی‌کند.
(توضیح المسائل م ۲۸۳۴)

۸ – آیت الله العظمی گلپایگانی (رحمه الله):

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است و حکم خدا به واسطه مسخره کردن مردم تغییر نمی‌کند.
(توضیح المسائل). (۷۶)

[فتوی به حرمت بنا بر احتیاط واجب]

اشاره

و بعضی از مراجع بنا بر احتیاط واجب قائل به حرمت شده‌اند مانند:

۱ – امام خمینی (رحمه الله):

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد احتیاط واجب حرام است.
(توضیح المسائل)

۲ – آیت الله العظمی خویی (رحمه الله):

تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد بنا بر احتیاط واجب حرام است.
(توضیح المسائل)

سه سؤال استفتاء شده پیرامون ریش و ریش تراشی

اشاره

سه سؤال از مراجع تقلید استفتاء شده که در کتاب ۱۴ نکته راجع به ریش و ریش تراشی آمده است که ما آنها را در اینجا از همان کتاب به طور کامل نقل می‌کنیم.

سؤال ۱: تراشیدن ریش و ماشین کردن آن که به نحو تراشیدن باشد چه حکمی دارد؟

۱ - حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله):

حرام است علی الاحوط.

۲ - حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله):

بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۳ - حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته):

جایز نیست علی الاحوط.

۴ - حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

به احتیاط واجب جایز نیست.

۵ - حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

حرام است

و الله العالم.

۶ - حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله):

بنا بر احتیاط واجب حرام است.

۷ - حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۸ - حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

حرام است.

۹ - حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

احتیاط در ترک آن است.

سؤال ۲: آیا برای رشد بهتر ریش و یا به واسطه احساس خارش می‌توان آن را تراشید یا با ماشین ته زن اصلاح نمود؟

۱ - حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله):

حرام است علی الاحوط و در موارد ضرورت حکم سایر محرمات را دارد.

۲ - حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله):

رویيدن چند مو در صورت و چانه عرفا ریش حساب نمی‌شود و احساس خارش مجوز تراشیدن آن نیست.

۳ - حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته):

برای رشد بهتر ریش جایز نیست آن را تراشید علی الاحوط و احساس خارش اگر ضرورت لازم المراعاتی ندارد جایز نیست.

۴ – حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

رشد مجوز تراشیدن نیست و احساس خارش هم جایز نیست مگر موجب حرج باشد.

۵ – حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

خیر حرام است و احساس خارش هم مجوز تراشیدن نمی‌شود.

و الله العالم

۶ – حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله):

خیر و این امور موجب ارتکاب حرام نمی‌شود.

۷ – حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

اگر موقع رشد صدق ریش کند تراشیدن آن اشکال دارد و احساس خارش هم مجوز تراشیدن نیست.

۸ – حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

خیر، جایز نیست.

۹ – حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):

اگر نمو کافی نکرد، به طوری که صدق ریش کند اشکال ندارد و از موقع احساس خارش هم اگر مدتی بگذرد عادت می کند. (۷۷)

سؤال ۳: حد وجوب ریش گذاشتن چقدر است؟

۱ – حضرت آیت الله العظمی بهجت (رحمه الله):

و لو با نمره باید صدق داشتن ریش کند عرفا.

۲ – حضرت آیت الله العظمی تبریزی (رحمه الله):

چانه و اطراف آن است طوری که عرفا بگویند ریش دارد.

۳ – حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته):

صدق داشتن ریش عرفا کفایت می کند.

۴ – حضرت آیت الله العظمی سیستانی (دامت برکاته):

به مقداری که گفته شود ریش دارد.

۵ – حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دامت برکاته):

حد آن به مقداریست که عرفا بگویند ریش دارد.

۶ – حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (رحمه الله):

حدیست که در عرف اطلاق ریش بر آن صادق آید.

۷ – حضرت آیت الله العظمی مجلسی (دامت برکاته):

صدق عرفی کفایت می کند.

۸ – حضرت آیت الله العظمی مظاهری (دامت برکاته):

به مقداری که عرفا بگویند فلانی ریش دارد.

۹ – حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته):
مسلما شامل چانه می‌شود ولی اصلاح گونه‌ها اشکالی ندارد و باید عرفا صدق ریش کند.
(۷۸)

نتیجه:
حرام بودن تراشیدن ریش و حلال بودن گذاشتن آن و فوائد آن و مضرات تیغ کشیدن با استفاده از آیات قرآن و روایات اهل بیت عصمت و طهارت و فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و روان شناسی و پزشکی آن بیان و اثبات شد.

پی‌نوشت

(۱) – بِحار الأَنْوار / ج ۵۳ / ص ۱۸۱.
(۲) – اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ج ۱۵ ص ۲۴۳ – ۲۶۳ و ریش تراشی ص ۱۲ و ۱۳
(۳) – اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ج ۱۵ صص ۲۴۳ تا ۲۶۳ و کتاب ریش تراشی ص ۱۳ – ۱۶
(۴) – ریش تراشی ص ۱۶ و ۱۷
(۵) – تاریخ آمریکا، نویسنده:
سجعان مارونی نصرانی ص ۱۶۰
(۶) – ریش تراشی ص ۳۷ اسدالله محمدی نیا
(۷) – مجله مقتطف ص ۵۳۸ سال ۱۹۵۸ میلادی
(۸) – مجله‌ی المقتبس — مجلد ششم ص ۱۴۴
(۹) – روزنامه العدل ش ۱۳۲ تاریخ ۲۱ نوامبر سال ۱۹۱۱ میلادی
(۱۰) – تاریخ آمریکا ص ۱۶۰
(۱۱) – روزنامه العدل ش ۱۳۲ تاریخ ۲۱ نوامبر سال ۱۹۱۱ میلادی
(۱۲) – ریش تراشی ص ۳۸
(۱۳) – همان ص ۳۸
(۱۴) – ریش تراشی ص ۳۹ به نقل از تراش ریش از نظر بهداشت ص ۲۰
(۱۵) – فیزیولوژی علمیست که درباره‌ی اعضای بدن جانداران بحث می‌کند.
(۱۶) – ریش تراشی ص ۴۰
(۱۷) – چهارده نکته درباره‌ی ریش و ریش تراشی ص ۴۶ / رضا مسجدی اصفهانی / به نقل از اطلاعات هفتگی ش ۱۹۴ / ص ۶ ستون ۲.
(۱۸) – پسیکولوژی: علمی که مربوط به روح و روان انسان بحث و تحقیق می‌کند.
(۱۹) – ریش تراشی ص ۴۲ به نقل از تراش ریش از نظر بهداشت ص ۴۰
(۲۰) – بقره / ۱۲۴
(۲۱) – وَسَائِلِ الشِّیعَهْ ج ۱ ص ۴۲۳
(۲۲) – نحل / ۱۲۳

(۲۳) – آل عمران / ۹۵

(۲۴) – بقره / ۱۹۵

(۲۵) – کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۱۰۶، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام / آیت الله سبحانی ص ۳۸۶

(۲۶) – بِحار الاَنْوار ج ۷۳ ص ۱۱۰ ح ۸ عِلَلُ الشَّرَائِع ج ۲ ص ۳۸۰

(۲۷) – بِحار الاَنْوار ج ۳ ص ۶۲ و توحید مفضل ص ۴۸ و ۴۹ و منتهی الآمال ج ۲ ص ۷۵

(۲۸) – انفال / ۵۱

(۲۹) – میزان الحکمه ج ۱۱ ص ۵۳۰۵ ح ۱۸۱۴۲ و صحیح مسلم ج ۱ ص ۲۲۱ باب ۱۶

(۳۰) نساء / ۷

(۳۱) – منتهی الآمال ج ۲ ص ۷۲، مُسْتَدْرَک الْوَسَائِلِ ج ۱ ص ۵۹ چاپ قدیم و ج ۱ ص ۴۰۶ چاپ جدید، سَفینَهٔ البِحَار ج ۲ ص ۵۰۸ و جعفریات

(۳۲) – بِحار الاَنْوار ج ۷۳ ص ۱۱۱ – ۱۱۲

(۳۳) – مُسْتَدْرَک الْوَسَائِلِ ج ۱ ص ۴۰۷

(۳۴) – حلیه المتقین ص ۱۸۷ و بهترین ارمغان ص ۱۰۱

(۳۵) – کافی ج ۶ / ص ۲۴۲

(۳۶) – رسائل الشریف المرتضی ج ۱ ص ۳۵۲

(۳۷) – رسائل الشریف المرتض ج ص ۳۵۳

(۳۸) – تفسیر کوثر ج ص ۲۵۰ – ۲۵۱

(۳۹) – بِحار الاَنْوار ج ۶ ص ۳۰۶

(۴۰) – بِحار الاَنْوار ج ۲۴ ص ۱۰۴

(۴۱) – بحار ج ۲۳، ص ۳۸۵ و ج ۴۱ ص ۲۰۸

(۴۲) – رسائل الشریف المرتضی ج ۱ ص ۳۵۱

(۴۳) – بِحار الاَنْوار ج ۲۲ ص ۴۵۲

(۴۴) – کافی ج ۸ ص ۲۳۲، تفسیر کوثر ج ص ۲۵۲ – ۲۵۰ ذیل آیات ۶۶ – ۶۵ سوره بقره

(۴۵) – بِحار الاَنْوار ج ۷۳ ص ۱۱۲ ح ۱۱ و اصول کافی ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۳، الکافی ج ۱ ص ۳۴۶ و کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۵۳۶

(۴۶) – بابی گری و بهایی گری ص ۱۹۴

(۴۷) – بحار ج ۱۰۰ ص ۲۵۶ ح ۱

(۴۸) – بهشت جوانان ص ۴۰۳

(۴۹) – سَفینَهٔ البِحَار ج ۲ ص ۵۰۸

(۵۰) – مُسْتَدْرَک الْوَسَائِلِ ج ص ۴۰۶، سَفینَهٔ البِحَار ج ۲ ص ۵۰۸

(۵۱) – وَسَائِلِ الشِّیعَهٔ ج ۱ ص ۴۲۰، بحار ج ۷۶ ص ۱۱۳

(۵۲) – نهج الفصاحه ص ۵۰۹

(۵۳) – سنن ابی داوود ج ۴ ص ۴۴

(۵۴) – کَنْزُ العمّال ج ۱ ص ۲۱۹ ح ۱۰۹۷

(۵۵) – مکارم الاخلاق ص ۷۷ و بهترین ارمغان ص ۱۰۲

(۵۶) – وسوسه در اسلام ص ۱۸۲، محمود اردکانی بهبهانی

(۵۷) – بهترین ارمغان ص ۱۰۲

(۵۸) – بهترین ارمغان ص ۱۰۲

(۵۹) – همان ص ۱۰۲

(۶۰) – بِحار الْاَنْوارج ۷۳ ص ۱۱۵ ح ۱۶

(۶۱) – بجار الانوار ج ۷۳ ص ۱۱۶ ح ۱۷

(۶۲) – مکارم الاخلاق ص ۶۷، الحکم الزاهره با ترجمه انصاری ص ۷۱۱

(۶۳) – بِحار الْاَنْوار ج ۷۳ ص ۸۸ باب ۶، عِلَلُ الشَّرَائِع ج ۲ ص ۵۱۹، مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیه ج ۱ ص ۱۲۰ و ۱۲۷ و النوادر راوندی ص ۲۴

(۶۴) – مکارم الاخلاق ص ۷۴، بِحار الْاَنْوارج ۷۶ ص ۱۱۲ ح ۱۵ و امالی صدوق ص ۱۸۳

(۶۵) – خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۴۹، تفسیر قمی ص ۵۰، تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۶۱ مکارم الاخلاق ص ۶۶ و بِحار الْاَنْوار ج ۷۶ ص ۶۸

(۶۶) – خصال ج ۱ ص ۴۹، تفسیر قمی ص ۵۰، تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۶۱ و بِحار الْاَنْوار ج ۷۶ ص ۶۸ و مکارم الاخلاق ص ۶۶

(۶۷) – حلیه المتقین ص ۱۷۷

(۶۸) – همان ص ۱۷۷

(۶۹) – همان ص ۱۷۶

(۷۰) – ریش تراشی ص ۳۳ – ۳۵ و بهشت جوانان ص ۴۰۴ به نقل از زبده العلوم ج ۲ ص ۲۴۳

(۷۱) – مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیه ج ۴ ص ۱۵۰

(۷۲) – ریش تراشی ص ۳۶ و ۳۷ به نقل از وَسَائِلِ الشِّیعَهْ ج ۱۹ ص ۲۶۰

(۷۳) – بِحار الْاَنْوار ج ۱۰۰ ص ۵۵ ح ۲۹

(۷۴) – اولین دانشگاه و آخرین پیغمبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم ج ۱۵ ص ۲۶۵ و ۲۶۶

(۷۵) – مجله مبلغان ش ۸ ص ۱۲۰ به نقل از مجاهد شهید آیت الله بافقی (رحمه الله) ص ۸۳

(۷۶) – چهارده نکته راجع به ریش و ریش تراشی ص ۳۲ و ۳۳

(۷۷) – چهارده نکته راجع به ریش و ریش تراشی ص ۳۲ و ۳۳

(۷۸) – چهارده نکته راجع به ریش و ریش تراشی ص ۳۲ و ۳۳

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم

بِحار الْاَنْوار / علامه محمد باقر مجلسی (ره) / انتشارات دارلکتب الاسلامیه / ۱۱۰ جلدی

وَسَائِلِ الشِّیعَهْ / شیخ محمد بن الحسن حر العاملی / داراحیاء التراث العربی بیروت / چاپ پنجم / ۱۴۰۳ ه. ق / ۱۹۸۳ م.

مُسْتَدْرَکُ الْوَسَائِلِ / محدث نوری / موسسه آل البیت. چاپ بیروت / ۱۴۱۰ ه. ق.

تفسیر کوثر / یعقوب جعفری / انتشارات هجرت / چاپ اول / بهار ۱۳۷۶ ه. ش.

میزان الحکمه / محمد محمدی ری شهری / انتشارات دارالحدیث / چاپ سوم / ۱۳۸۱ ه. ش.

مکارم الاخلاق / شیخ طبرسی / انی نصر الحسن بن فضل / موسسه نشر اسلام ی / چاپ دوم / ۱۴۱۶ ه. ق.

حلیه المتقین / علامه محمد باقر مجلسی (ره) / انتشارات نسیم حیات / چاپ اول / ۱۳۸۰ ه. ش.

منتهی الآمال / شیخ عباس قمی / انتشارات هجرت / چاپ یازدهم.

مجمع البیان / ابوعلی فضل بن حسن طبرسی / سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی / چاپ اول / ۱۳۸۰ ه. ش.

تفسیر قمی / علی بن ابراهیم قمی / انتشارات بنی الزهرا / چاپ اول / ۸۸ / مترجم جابر رضوانی.

تفسیر عیاشی / ابی نصر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی معروف به عیاشی / انتشارات مکتبه العلمیه الاسلامیه.

کمال الدین / شیخ صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی / انتشارات مسجدمقدس جمکران / چاپ دوم / بهار ۱۳۸۲ ه. ش.

امالی / شیخ صدوق / انتشارات وحدت بخش / چاپ اول / بهار ۱۳۸۴.

خصال / شیخ صدوق / انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

اصول کافی / ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی الرازی / چاپ چهارم / ۱۴۰ ه. ق / انتشارات دارصعب و دارالتعارف بیروت.

توحید مفضل / علامه مجلسی / انتشارات هجرت / مترجم؛

نجفعلی میرزایی / چاپ ششم.

بهترین ارمغان / سید محمد تقی مقدم / انتشارات مقدم / چاپ بیست و سوم / ۱۳۷۷.

مبلغان / مجله معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم.

۱۴ نکته راجع به ریش و ریش تراشی / رضا مسجدی اصفهانی / انتشارات الحج / چاپ اول / ۱۳۷۹.

اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِه وَ سَلَّم / شهید پاک نژاد / انتشارات یاسر، انتشارات بنیاد فرهنگی / چاپ اول / ۱۳۶۴.

ریش تراشی / اسدالله محمدی نیا.

مبارزه با گناه / سید محمد رضا هاشم زاده / موسسه انتشاراتی امام عصر عَلَیْهِ السَّلَام / چاپ اول / ۱۳۸۳.

کامل فی التاریخ / ابن اثیر / داربیروت ۱۳۸۵ ه. ق.

فرازهایی از تاریخ اسلام / آیت الله العظمی سبحانی / نشر مشعر / چاپ یازدهم زمستان ۱۳۸۷.

عِلَلُ الشَّرَائِع / شیخ صدوق / مترجم؛

محمد جواد ذهنی تهرانی / انتشارات مؤمنین.

صحیح مسلم / ابی الحسین مسلم نیشابوری / دارالفکرللطباعه و النشر و التوضیح / مصر / ۱۴۰۱ ه. ق.

سَفینَهُ البِحَار / شیخ عباس قمی / کانون انتشارات عابدی / بی تا.

رسائل الشریف المرتضی / سید مرتضی.

بابی گری و بهایی گری / محمد محمدی اشتهاردی.

بهشت جوانان / اسدالله محمدی نیا / انتشارات سبط اکبر عَلَیْهِ السَّلَام / چاپ شانزدهم / ۳۸۲.

نهج الفصاحه / ابوالقاسم پاینده.

سنن ابی داوود / ابی داوود.

کَنْزُ العمّال / علاء الدین متقی هندی / موسسه الرساله / بیروت ۱۳۹۹ ه. ق.
وسوسه و وسواس در اسلام / محمود اردکانی بهبهانی / انتشارات مجمع ذخائر اسلامی / چاپ دوم / ۱۳۷۹ ه. ش.
الحکم الزاهره / علی رضا هابری یزدی / مترجم؛
انصاری / مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».